

صدایے از ابر

نہشتہ:

دکتر ادہم شرقاوی

ترجمہ:

خلیل الرحمن خباب

صدایی از ابر

نابشته: دکتر ادهم شرقاوی
ترجمه: خلیل الرحمن خباب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان ❖	:	صدایی از ابر
نیشته ❖	:	دکتر ادهم شرقاوی
ترجمه ❖	:	خلیل الرحمن خباب
تاریخ انتشار ❖	:	زمستان ۱۴۰۲

ایجاد هرنوع تغییر بدون اجازه مترجم،
مجاز نمی‌باشد و خیانت محسوب می‌گردد!

ارتباط با مترجم:

وبلاگ: Khademulislam.blog.ir

تلگرام: [@Khademulislam](https://t.me/Khademulislam)

واتساپ و ایمو: [+93702837300](https://wa.me/93702837300)



لینک‌های مفید اسلامی:

کتابخانه قلم: [@Qalamlr](https://t.me/Qalamlr)

کانال فارسی دکتر ادهم شرقاوی: [@DrSharqawi](https://t.me/DrSharqawi)

تلگرام کتابخانه اقرء: [@iqraaLib](https://t.me/iqraaLib)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام مسلم رضی الله عنه در صحیح خود روایت می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

«مردی در بیابان خشک و بی آبی راه می رفت که از درون یک ابر، صدایی را شنید که می گفت:
«باغ فلانی را آبیاری کن!».

آن ابر اندکی حرکت کرد و بر زمین ریگزار و سنگلاخی بارید و تمام آب را آبراهه‌ای در خود گرفت و سرازیر شد. آن مرد به دنبال آب رفت و مردی را دید که در باغ خود ایستاده و با بیل آبیاری می کند.

گفت: «ای بنده خدا! اسمت چیست؟».

مرد گفت: «فلانی!».

دقیقاً همان اسمی که از میان ابر شنیده بود.

صدایی از ابر

صاحب باغ پرسید: «ای بنده خدا! چرا اسم مرا می‌پرسی؟».
گفت: «من از ابری که بارید، صدایی شنیدم که می‌گفت:
باغ فلانی را آبیاری کن و اسم تو را گرفت، مگر تو چه
می‌کنی؟».

صاحب باغ گفت:

«اینک که تو این را گفتی، [من نیز به تو می‌گویم که چه
می‌کنم]؛ من محصول باغ را می‌سبزم و یک سوم آن را
صدقه می‌دهم، یک سومش را با خانواده‌ام می‌خورم و
یک سوم دیگر را [برای زراعت] به باغ برمی‌گردانم!».
[صحیح مسلم: ۲۹۸۴].

درس اول:

هرکس دستورات الله متعال را انجام دهد، الله متعال هم زندگی او را مدیریت می کند و هرکس آنچه در دست دارد را در اختیار خدا قرار دهد، الله متعال آنچه در دست دارد را در اختیار او قرار می دهد و تمام این جهان در دست [بلا کیف] الله متعال است.

پس با خدا چنان باشید که او می خواهد تا او با شما چنان باشد که شما می خواهید.

بدانید که قوانین دنیا بر انسانها حاکم است نه بر خداوند متعال.

الله متعال به خاطر بنده ای نیکوکار، قانون حاکم بر جهان را تغییر می دهد.

گاهی الله متعال به بنده نیکوکار به خاطر نیکوکاری اش چیزی را می‌دهد که به یک پیامبر به خاطر نبوت و پیامبری اش می‌بخشد.

آیا ندیدید [و نشنیدید] که آتشی فروزان، برای ابراهیم علیه السلام سرد و سلامت شد؟

نهنگی درنده برای یونس علیه السلام آغوش و پناهگاه گردید؟

چاقوی تیز نتوانست گردن اسماعیل علیه السلام را ببرد؟

و این ابر هم تنها به خاطر یک مرد، توسط فرشته‌ای هدایت می‌شد.

خداوند در آن روز می‌خواست به آن قوم آب ندهد، اما می‌دانست بنده‌ای دارد که شایسته نیست به همراه دیگران محروم بماند.

پس قانون جهان را به خاطر او تغییر داد.

صدایی از ابر

خاصیت ابر این است که همه را سیراب کند، اما این،

ابری مخصوص برای بندهٔ مخصوصی بود.

او دین خود را اصلاح کرد، پس الله متعال هم دنیایش را

اصلاح نمود!

درس دوم:

شهرت واقعی این نیست که در زمین مشهور باشید، بلکه [شهرت واقعی] این است که در آسمان مشهور و معروف باشید!

این کشاورز در زمین گمنام و ناشناخته است، اما در ملاء اعلیٰ [و آسمانها] مشهور است.

فرمان از ملّک [و پادشاه جهان] به ملّک [و فرشته] صادر می‌شود که این ابر را به زمین فلانی بران!

اگر هنرمندی ما را با اسم مان صدا بزند، از خوشحالی پرواز می‌کنیم.

اگر وزیری صدا بزند، در زمین نمی‌گنجیم.

اگر ریسی صدا بزند، آنروز از شدت خوشحالی به کسی نمی‌نگریم.

صدایی از ابر

این حال بنده‌ای است که بنده دیگری را صدا می‌زند!
پس چگونه خواهد بود حال کسی که پادشاه پادشاهان
فرمان آسمانی صادر می‌کند [و می‌گوید]:
«زمین فلان بنده‌ام را آبیاری کن!».

درس سوم:

گذشتگان گفته‌اند: «کار و تلاش عبادت است!».

این درست است، اما کاری که حق خدا را زیر پا می‌کند، عبادت شیطان است.

کسانی را داریم که زنگ ساعت خود را برای نماز صبح برابر می‌کنند و کسانی هم هستند که زنگ ساعت خود را برای ساعت کاری تنظیم می‌نمایند.

فرق بسیاری است بین کسی که می‌داند به خاطر عبادت آفریده شده و بین کسی که فکر می‌کند برای کشاورزی و شخم‌زدن خلق شده است!

عبادت از خود وقتی دارد و کار و تلاش هم زمانی. کسی که عبادت را به خاطر کار به تأخیر انداخت تا اینکه وقت آن گذشت، قطعاً به الله متعال بی‌ادبی کرده است؛

زیرا گمان کرده که او خودش خود را روزی می دهد.
 رزقی که ما به وسیله کار و تلاش می خواهیم به دست
 آوریم، در حقیقت نزد الله متعال است. پس چگونه چیزی
 که دوست داریم را به وسیله چیزی از خدا می خواهیم که
 آن را دوست ندارد!

﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ
 مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا﴾ [البقرة: ۲۶۸].

«شیطان، شما را [به هنگام انفاق،] وعده فقر و تهی دستی
 می دهد و به فحشا [و زشتی ها] امر می کند، ولی خداوند
 وعده «آمرزش» و «فزون» به شما می دهد».

کار وقتی عبادت است که حق الله متعال را قبل از حق
 کارفرما ادا کنیم.

کسی که به بهانه عبادت بر درآمد دیگران تکیه می کند،
بہتر از آن نیست کہ بہ خاطر کار نماز را ترک می کند!

سرورمان [رسول الله ﷺ] فرمودند:

«هیچ کسی هیچ [روزی و] و غذایی بہتر از دست رنج خود
نخورده است و پیامبر خدا داود عليه السلام از دست رنج خودش
ارتزاق می کرد».

[صحیح البخاری: ۲۰۷۲].

«اینکہ شخص طنابی را بردارد و با جمع کردن و فروختن
ہیزم امرار معاش کند، برایش بہتر از آن است کہ از مردم
گدایی کند؛ آن ہم معلوم نیست کہ بہ او چیزی بدهند یا
ندهند».

[صحیح البخاری: ۱۴۷۰].

و در مورد کسی کہ خودش در مسجد نشسته بود و
برادرش مخارج او را می داد، فرمودند:

«برادرش از او بهتر است!»^۱

راز زندگی، توازن و تعادل است.

الله متعال هیچ گاه دستور نداده که یک روز را فقط به

عبادت پردازید یا فقط کار کنید!

عیسی علیه السلام در سرزمین «جلیل»^۲ نجار بود، در حالی که

یکی از پیامبران الوالعزم است.

شعیب علیه السلام گوسفندانی داشت که چون خودش پیر و مسن

بود، دخترانش آن‌ها را می چرانیدند.

وقتی موسی علیه السلام با یکی از دختران شعیب علیه السلام ازدواج

کرد، مهریه اش این بود که برایش کار کند.

۱. در مورد این سخن، علما حرف و حدیث‌هایی دارند؛ برخی آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت داده‌اند و برخی دیگر به امیرالمؤمنین عمر بن خطاب رضی الله عنه و برخی دیگر آن را به صورت کلی رد کرده و نادرست خوانده‌اند. مترجم.

۲. یکی از شهرستان‌های فلسطین و منطقه‌ای بزرگ در شمال اسرائیل است. مترجم.

صدایی از ابر

این حال انبیا علیهم السلام است، پس چگونه خواهد بود حال کسانی که جایگاهشان از آنها پایین تر است!؟

درس چهارم:

پاداش از جنس عمل است!

کسی که زمین خود به خاطر رضایت الله متعال در اختیار او تعالی قرار داد، الله متعال وقتی می‌خواست مردم را عذاب کند، از آن زمین حفاظت کرد.

بنابراین، مطمئن باشید!

هیچ مالی را در اختیار خدا قرار نداده‌اید، مگر اینکه الله متعال آن را فزونی می‌بخشد و هیچ مالی با صدقه‌دادن کم نمی‌شود.

هیچ دقایقی را برای نماز شب اختصاص نداده‌اید، مگر اینکه الله متعال در وجود شما چنان نشاطی قرار می‌دهد که هیچ کدام از کسانی که تمام شب را با خواب سپری کرده‌اند، چنین نشاطی ندارند.

در این دنیا چیزی به نام برکت وجود دارد که ما به آن توجه نمی‌کنیم.

[ارزش] اشیا هیچ‌گاه براساس کمیت نبوده، بلکه براساس کیفیت است.

همه ما افرادی را می‌شناسیم که از راه حرام مال و ثروت جمع می‌کنند؛ اما با این حال، باز هم از کمبودی و ناداری می‌نالند.

همچنین اشخاصی را هم می‌شناسیم که در پی روزی حلال هستند و تعجب می‌کنیم که این مخارج اندک چگونه برای‌شان کفایت می‌کند.

حضرت عمر رضی الله عنه می فرماید:

«من از الله متعال رزق و روزی نمی طلبم؛ چون الله متعال از تقسیم رزق و روزی فارغ شده است، بلکه برکت آن را می طلبم!»^۱

وصلی الله تعالی علی خیر خلقه محمد
وعلی آله وصحبه أجمعین

۱. منبع این اثر را نتوانستم پیدا کنم و برخی از علما با استدلال از احادیثی که در مورد طلب روزی از الله متعال آمده و همچنین با ذکر اثر دیگری از فاروق اعظم رضی الله عنه آن را رد کرده اند؛ چنانکه امام ابو نعیم و امام بیهقی از حضرت عمر رضی الله عنه روایت می کنند که وی فرمود:

« كُونُوا أَوْعِيَةَ الْكِتَابِ، وَيَتَابِعِ الْعِلْمِ، وَسَلُّوا اللّٰهَ رِزْقَ يَوْمِ بِيَوْمٍ ».

[حلیة الأولیاء، ابو نعیم: ۱ / ۵۱ + شعب الإیمان، بیهقی: ۱۰۱۲۴].

«ظرف کتاب و سرچشمه های دانش باشید و از الله متعال روزی هر روز را جدا جدا بخواهید!».

صدایی از ابر

آثار دیگر نویسنده:

- ۱- آه از دست ملاها!
- ۲- آیا از عبادت کردن خسته می‌شوید؟
- ۳- اسلام به ذات خود ندارد عیبی...!
- ۴- این دست عثمان است!
- ۵- با دروغ زندگی نکنیم!
- ۶- بایدها و نبایدهای میراث
- ۷- بانوی قهرمان
- ۸- برای برادرانم (۱)
- ۹- برای خواهرانم (۱)
- ۱۰- بی‌رحمی بزرگ
- ۱۱- پوزش می‌طلبیم!
- ۱۲- جوانان را دریابیم!
- ۱۳- جوانان، زیر چکمه‌های روزگار
- ۱۴- چرا نمی‌پرسیم؟
- ۱۵- چگونه حمله‌های شیطان را دفع کنیم؟
- ۱۶- خواهرم، خودت را بشناس!
- ۱۷- خودکشی نوین
- ۱۸- خود اشتباه نکنیم!
- ۱۹- داستان جریج عابد
- ۲۰- دیگران چه می‌گویند؟
- ۲۱- روزهای مبارک
- ۲۲- ز گهواره تا گور استادتم!
- ۲۳- سراب خوشبختی
- ۲۴- سرزنش و پیامدهای آن
- ۲۵- صدای کفش‌هایت را شنیدم!
- ۲۶- صدایی از ابر
- ۲۷- طلاق شوخی‌بردار نیست
- ۲۸- گفتمان (بزرگ‌ترین راه حل)
- ۲۹- لعنت (تکیه کلام منفور)
- ۳۰- ما کجا و آن‌ها کجا؟
- ۳۱- ماه رجب (ویژگی‌ها و بدعت‌ها)
- ۳۲- ماه شعبان (فرصتی دیگر)
- ۳۳- مرد بدهکار
- ۳۴- نجات از اضطراب امتحان
- ۳۵- نمی‌دانم!
- ۳۶- نیکی کن و در دجله انداز!
- ۳۷- هدیه‌ای به مصطفی ﷺ

صدای از آبر

نہشتہ:

دکتر ادہم شرقاوی

ترجمہ:

خلیل الرحمن خباب